

# پدیده‌های شوم در جامعه

Photo: andrianocz/bigstockphoto.com

نگاه حقوقی به جرم همسرآزاری و خشونت علیه زنان در ایران و بررسی مجازات‌های آن

سید عادل حیدری و کیل دادگستری و مدرس دانشگاه

همسرآزاری پدیده‌ای است که از زمان‌های گذشته در جوامع مختلف وجود داشته است. آزار روانی، جسمی، مالی و جنسی از جمله خشونت‌هایی است که مردان علیه زنان انجام می‌دهند. خشونت علیه زنان؛ پدیده شایع و تأسف باری است که ابعاد گسترده آن، زمینه آسیب‌های فردی و اجتماعی متعدد را نسبت به آنها، خانواده و جامعه فراهم می‌آورد. خشونت علیه زنان دارای سابقه‌ای به وسعت تاریخ بوده و در دهه‌های اخیر به شکل خشونت مدرن، اشکال نوینی به خود یافته است و با وجود تلاش‌های بین‌المللی حقوق‌دانان، کارشناسان و کنشگران اجتماعی و حقوق بشری برای رفع هرگونه خشونت نسبت به آنها سونامی خشونت علیه زنان، کماکان جاری و روزافزون بوده و هزینه‌های متعددی را بر جامعه بشری و ملی دولت‌ها وارد می‌کند.

خشونت علیه زنان از منزل و خیابان تا کوچه و بیابان، به اشکال مختلف توهین و هتک حرمت، ختنه دختران و زنان، ازدواج زود هنگام آنها، استثمار عاطفی و جنسی در منازل و محافل کار و خارج از آن، طلاق قهری، تبعیض جنسیتی و نگاه‌های سنگین مردانه، آزار جنسی و تن‌فروشی پیدا و پنهان، ایراد صدمات عمدی بدنی و حیثیتی، اخراج از منزل و ممانعت از تحصیل و کار، وضع زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، ممانعت از ملاقات فرزند و سلب حضانت فرزندان از مادران، تضییع حقوق اساسی و شهروندی آنها، تضییع حقوق زناشویی، خانوادگی و فرصت‌های شغلی و حرفه‌ای، بن‌بست در طلاق نسبت به زنان و اجبار عینی و عملی آنها به مهمر حلال، جانم آزاد، برای رهایی از تقید زوجیت و زناشویی متلاطم خویش در طی سال‌های متعدد برای تعیین تکلیف وضع حقوقی و قانونی خود و تبعیض و تفکیک جنسیتی، به انحای مختلف دیگر و درجات متفاوت در جامعه به‌طور نسبی و فزاینده، حسب مورد، وجود داشته و محصور به قتل علیه زنان در کشور، در معنای خاص آن نیست. پرونده‌های متعدد قضائی موجود و جاری در محاکم قضائی و خانواده و وضع بحران خانواده در ایران؛ کمترین گواه بر این مهم است. علاوه بر این، با مراجعه به صفحه حوادث رسانه‌ها، سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی و مجازی و نیز کلانتری‌ها و ادارات آگاهی تهران بزرگ و دیگر دوایر مشابه در کل کشور (دایره ویژه قتل) و مشاهده خانواده‌ها و مراجعه کنندگان متعدد برای پی‌جویی و شناسایی عزیزان گم‌گشته خویش در لابه‌لای آلبوم‌های تصویری مقتولان بی‌نام و نشان مضبوط در آن ادارات؛ وضع و اهمیت خشونت فزاینده علیه زنان در جامعه بیشتر درک می‌شود! بر این اساس؛ ضروری است در مقام مدیریت خشونت فزاینده علیه زنان و افزایش ضریب امنیت انسانی و حقوق شهروندی و اساسی در بین شهروندان و جامعه، خصوصاً نسبت به زنان برآمد. واژه همسرآزاری که در اذهان عموم به‌عنوان خشونت شوهر علیه زن به کار می‌رود، در تمام اعصار و جوامع وجود داشته و با نهایت تأسف در جوامع امروز نیز با وجود فضای به ظاهر طرفدار حقوق زنان رو به افزایش است. آمار ۴۳ درصدی زنان کتک‌خورده آلمانی به دست شوهرشان گویای وجود این آسیب غم‌انگیز است. باید توجه داشت که خشونت علیه زنان و به‌صورت خاص (همسران) به چند نوع مختلف است. خشونت فیزیکی و بدنی، مانند صدمه‌زدن به وسایل منزل و ضرب و شتم همسر، خشونت روانی و کلامی مانند تحقیر شخصیت، چهره یا شرایط جسمانی زن، ابراز تنفر نسبت به بستگان وی و همچنین خشونت اجتماعی شامل منع اشتغال و تحصیل، ممنوعیت ارتباط با بستگان حتی به‌صورت تلفنی، خشونت اقتصادی مانند نپرداختن خرجی و درنهایت صدمات و آزارهای جنسی از طریق تحمیل نسبت به همسر و در معرض فحشا و فساد قراردادن وی به‌خاطر اعتیاد، مهمترین و شایع‌ترین انواع همسرآزاری مردان نسبت به زنان است.

## مفهوم پدیده همسرآزاری

خشونت و اعمال آن از معضلات روبه‌رشد در تمامی جوامع است. این پدیده اشکال گوناگونی دارد و مردان و زنان تمامی گروه‌های سنی تحت‌تاثیر آن قرار می‌گیرند. خشونت خانوادگی به نحوه پرخاشگری اشاره دارد که در روابط زوجین رخ می‌دهد. خشونت خانوادگی گاهی اوقات تحت‌عنوان همسرآزاری، خشونت زناشویی، زن‌آزاری، شریک‌آزاری و عبارات دیگر توصیف شده است. براساس تحقیقات پزشکی قانونی، همسرآزاری در تمامی طبقات اجتماعی از فقیرترین تا غنی‌ترین و حتی خانواده‌های تحصیلکرده اتفاق می‌افتد و محدود به قشر خاصی نیست. همسرآزاری به شکل‌های مختلف در جوامع بروز می‌کند و در هر خانواده‌ای با هر شرایط و موقعیت اجتماعی ممکن است نمونه‌ای از همسرآزاری وجود داشته باشد. همسر به زن و شوهر گفته می‌شود و آزار نیز به معنی معکوس کردن باید‌ها و نباید‌هاست. بنابراین در تعریف همسرآزاری می‌توان گفت معکوس کردن باید‌ها و نباید‌ها برای زن یا شوهر همسرآزاری محسوب می‌شود. همسرآزاری را می‌توان به ۴ گروه همسرآزاری روانی، مالی، جنسی و جسمی تقسیم کرد. برآورده‌نشدن هر یک از نیازها در زمینه‌های مالی، روانی و جنسی می‌تواند یکی از انواع همسرآزاری را به دنبال داشته باشد. فقر، اعتیاد، بی‌دقتی در انتخاب همسر، تفاوت‌های فرهنگی، رشد اجتماعی زنان و عدم باور مردان، مرد یا زن‌سالاری، نقش رسانه‌ها در ارایه چهره‌ای نادرست از زنان و ازدواج‌های قبل از رشادت از جمله عوامل زمینه‌ساز همسرآزاری است. در صورتی که مرد قادر به تأمین نیازهای مادی همسر و خانواده‌اش نباشد، ممکن است تبعات آن به‌صورت همسرآزاری بروز کند و مرد از شرایط عادی خارج شود. از سویی اعتیاد نیز به دلیل بالابردن هزینه خانواده و ایجاد علایم افسردگی در فرد، زمینه‌ساز همسرآزاری است.

## نگاه ویژه حقوق بشر به زنان

با توجه به این که سازمان ملل، سال‌های ۱۹۹۵ - ۲۰۰۴ را دهه آموزش حقوق بشر اعلام کرده است و از آن‌جا که ناآگاهی همه انسان‌ها، به‌ویژه زنان از این حقوق آنها را از برخورداری کامل از آن حقوق باز می‌دارد، لذا آگاه‌سازی عموم، سوادآموزی حقوقی و ارتقای فرهنگ حقوق بشر، توسعه و صلح از طریق هماهنگی و همکاری با گروه‌های محلی و منطقه‌ای و سازمان‌های غیردولتی و نیز رسانه‌ها در سراسر جهان برای اجرای برنامه‌هایی در زمینه آموزش حقوق بشر می‌توانند موثر باشند. در این میان خشونت علیه زنان از جمله مسائلی است که در تمام جوامع فراگیر است. خشونت‌های جنسی، جسمی و... باعث شده تا محیط امن خانه برای همسران ناامن شود. اما شناخت زنان از حقوق خود و قوانینی که به نفع آنها در جهت ایجاد امنیت و آزادی نگاشته شده سبب خواهد شد تا از میزان خشونت علیه زنان نیز کاسته شود. از سویی در فضای جامعه غربی نیز پدیده همسرآزاری گسترش یافته و اعلامیه جهانی حقوق بشر در موادی بر حفظ حقوق زنان در جهت جلوگیری از همسرآزاری تاکید کرده است. اما آنچه در میان این قوانین مهم جلوه می‌کند، میزان ظرفیت جوامع در اجرای آنهاست و باید ضمانت اجرایی در جوامع بالاخص با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود داشته باشد. اگرچه در سال‌های اخیر، با افزایش تعداد تشکل‌های مدافع حقوق زنان و حمایت دولت از رشد این تشکل‌ها، صداهای بسیاری در حمایت از حذف خشونت علیه زنان بلند شده است، اما هنوز قوانین حمایت‌کننده از زنان کافی نیست و زنان نیز بنابر سنت اجتماعی، در موارد بسیاری ترجیح می‌دهند بنابر مصلحت یا حفظ آبرو، خشونت‌ها علیه خویش را پنهان کنند. آیا راه‌حلی وجود دارد؟ بازنگری قوانین کشورها، یکی از نخستین راهکارها برای حذف خشونت علیه زنان تلقی می‌شود. به اعتقاد نهادهای مدافع حقوق زنان، نقاط ضعف قانونی باید آشکار و رفع شود. دولت‌ها تشویق و ترغیب شوند تا قوانین را رعایت و قوانین نامناسب را عوض کنند. در سطوحی پایین‌تر نیز باید با کمک به رشد نهادها و تشکل‌های غیردولتی زنان، به مهار اجتماعی خشونت علیه زنان مبادرت ورزید. با همکاری و توسط این تشکل‌ها، زنان باید بیشتر به حقوق خود در برابر خشونت آگاه شوند. با این وجود، حضور و نقش مردان در حذف خشونت علیه زنان، اساسی و ضروری است و بدون جلب همکاری مردان، حذف خشونت ممکن نیست. مردان هم باید وادار شوند که سکوت خود را بشکنند و وارد این وادی شوند.

منبع: روزنامه شهروند